

میل به خلوت جویی و ادراک ازدحام در محیط‌های شهری: تحلیلی مقایسه‌ای میان زنان در خرده فرهنگ‌های ایران^۱

فاطمه محمدنیای قرائی - دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
مجتبی رفیعیان^۲ - دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
محمد نقی زاده - استادیار شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۰۶

چکیده

خلوت، فرآیندی برای تعیین مرز میان افراد است و فرد به واسطه آن بر تعامل خود با دیگران نظارت می‌کند. نیاز به خلوت در انسان‌ها عمومیت دارد ولی شیوه پاسخ به آن متأثر از متغیرهایی چون فرهنگ، سن، جنس، محیط فیزیکی و... است. تفاوت این نیاز از فرهنگی به فرهنگ دیگر سبب می‌شود برخی از فرهنگ‌ها میل بیشتری به خلوت نسبت به سایرین داشته باشند. تفاوت‌ها در میل به خلوت جویی صرفاً محدود به فرهنگ‌ها نمی‌شود، بلکه خرده فرهنگ‌ها را نیز در بر می‌گیرد. ایران، از جمله کشورهایی است که دارای خرده فرهنگ‌های متنوع با حالت‌های مختلف پاسخگویی به خلوت است. اما تاکنون تحقیقاتی در زمینه بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های میان خرده فرهنگ‌های این کشور در میل به خلوت جویی و سازوکارهای رسیدن به آن در محیط‌های شهری انجام نشده است. از این رو، این مقاله به دنبال بررسی تفاوت‌های بین فرهنگی میان زنان گیلکی، کرد، آذری و یزدی در میل به خلوت جویی و ادراک ازدحام است. برای رسیدن به این اهداف از ابزار پرسشنامه استفاده گردید. حدود هزار و ۱۷۴ زن پرسش شونده به صورت اتفاقی در پارک‌های شهر (رشت)، ملت (سنندج)، باغمیشه (تبریز) و آزادگان (یزد) برای تکمیل پرسشنامه انتخاب شدند. این پرسشنامه توسط آزمون‌های χ^2 (Chi-square Test)، ضریب همبستگی پیرسون (Pearson Correlation Coefficient)، تحلیل واریانس یک طرفه (Analysis of Variance (ANOVA)) و تحلیل واریانس چند متغیره (Multivariate Analysis of Variance (MANOVA)) مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که سطح خلوت مطلوب در زنان یزدی و آذری بیشتر از سایر زنان است. در صورتی که خلوت کسب شده در زنان گیلکی بیش از سایر خرده فرهنگ‌هاست. به عبارتی، یزدی‌ها (صحرائی گرم و خشک) و آذری‌ها (کوهستانی سرد) در زمره فرهنگ‌های غیرارتباطی و گیلکی‌ها (معتدل خزری) و کردها (کوهستانی بسیار سرد) در زمره فرهنگ‌های ارتباطی‌اند. صرف نظر از نوع فرهنگ، سطح خلوت مطلوب و کسب شده به ادراک ازدحام افراد وابسته است.

واژگان کلیدی: خلوت، ازدحام، خرده فرهنگ، زنان ایرانی، محیط شهری.

۲۹

شماره بیست و سوم

تابستان ۱۳۹۶

فصلنامه علمی-پژوهشی

مطالعات شهری

تحلیلی مقایسه‌ای میان زنان در خرده فرهنگ‌های ایران
میل به خلوت جویی و ادراک ازدحام در محیط‌های شهری:

۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تبیین الگوهای ادراکی و رفتاری زنان در محیط‌های شهری با تأکید بر فرهنگ ایرانی-اسلامی» به راهنمایی دکتر مجتبی رفیعیان، مشاوره دکتر فرح حبیب و دکتر محمد نقی زاده و نگارش فاطمه محمدنیای قرائی است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: rafiei.m@modares.ac.ir

۱. مقدمه

بسیاری از انسان‌ها در طول زندگی روزانه خود، گاهی نیاز به تنها بودن را احساس کرده و این تنها بودن را به خلوت تعبیر می‌نمایند. اما باید توجه داشت که در روان‌شناسی محیط، خلوت^۱ صرفاً به تنها بودن و دوری از دیگران اشاره ندارد. واقعیت امر این است که خلوت فرآیند تنظیم رابطه میان افراد است و فرد یا گروه به واسطه آن بر تعامل خود با دیگران نظارت می‌کند (Altman, 1975). با وجود عمومیت میل به خلوت‌جویی در همه انسان‌ها، میزان و سازوکارهای دستیابی به آن به عواملی چون ویژگی‌های فردی، جایگاه اجتماعی، محیط فیزیکی و فرهنگ وابسته است.

فرهنگ‌های مختلف از طریق شیوه‌های متفاوتی به خلوت دست پیدا می‌کنند و به این نیاز خود پاسخ می‌دهند. برخی از فرهنگ‌ها در مقایسه با سایرین تمایل به خلوت بیشتر و نیازهای خلوت پیچیده‌تری دارند (Hall, 1966; Altman & Chemers, 1980). حال در پژوهش‌های فرهنگ‌ها را به لحاظ رفتار فضایی به دو گروه ارتباطی^۲ (مدیترانه‌ای) و غیرارتباطی^۳ (اروپای شمالی) تقسیم می‌کند. از نظر او افراد در فرهنگ ارتباطی فواصل تعاملی بسیار نزدیک، لمس زیاد و تماس چشمی را ترجیح می‌دهند؛ آنان تحمل بالاتری در مقابل محیط‌های پرازدحام دارند. حال معتقد است که تفاوت در میل به خلوت‌جویی علاوه بر گروه‌های فرهنگی، خرده فرهنگ‌ها را نیز در بر می‌گیرد (Hall, 1966). سایر پژوهش‌های صورت گرفته بر مبنای تقسیم‌بندی هال نیز یافته‌های او در این حوزه را تأیید می‌کند (Watson and Graves, 1966, Forston and Larson, 1968, Little, 1968, Sommer, 1968, Ziller, Long and Reddy, 1968, Engerbretson and Fullimer, 1970, Evans and Howard, 1973, Hayduk, 1994, Sanders, Hakky and Brizzolara, 1985).

با وجود انجام این مطالعات، هنوز تعداد زیادی از فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌ها در جهان وجود دارند که میل به خلوت‌جویی آنان مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است. ایران از جمله کشورهایی است که دارای خرده فرهنگ‌های متنوع با حالت‌های مختلف

پاسخگویی به خلوت است اما تاکنون تحقیقاتی در زمینه تأثیر فرهنگ بر میل به خلوت‌جویی در این کشور انجام نشده است. از این رو، این مقاله با انتخاب چهار خرده فرهنگ گیلکی، کرد، آذری و یزدی در ایران به بررسی تفاوت‌های بین فرهنگی در میل به خلوت‌جویی و ادراک ازدحام^۴ میان این خرده فرهنگ‌ها پرداخته است.

از میان فضاهای عمومی موجود در شهرها، پارک‌ها در زمره فضاهایی هستند که زنان به تنهایی و یا به همراه کودکان خود برای انجام فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی به آنها مراجعه می‌نمایند. بنابراین در این تحقیق، در هر یک از شهرهای رشت (فرهنگ گیلکی)، سنندج (فرهنگ کرد)، تبریز (فرهنگ آذری) و یزد (فرهنگ یزدی) یک پارک به عنوان نمونه موردی انتخاب و میل به خلوت‌جویی و ادراک ازدحام زنان در آنها مورد مقایسه و بررسی قرار گرفت.

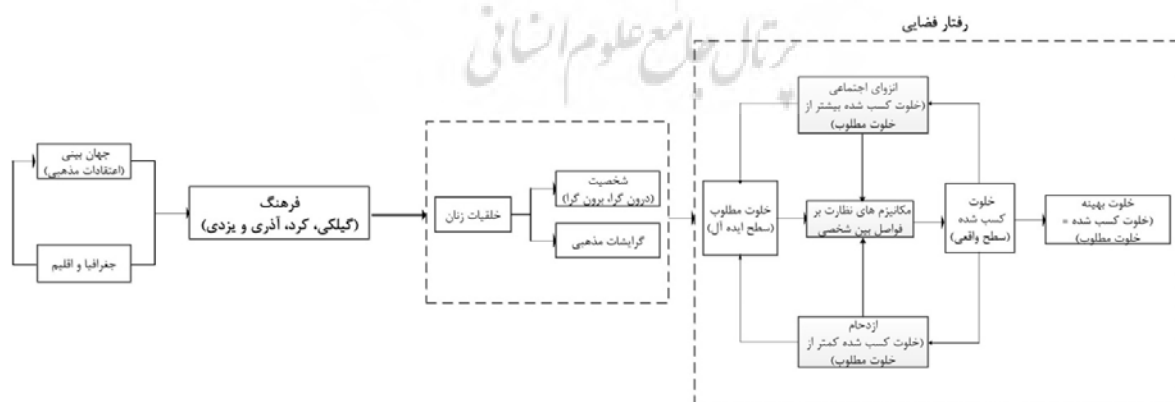
به باور این تحقیق، جهان‌بینی و اقلیم دو عامل کلیدی در شکل‌گیری فرهنگ (گیلکی، کرد، آذری و یزدی) و فرهنگ عاملی مؤثر بر خلیقات انسان‌ها (زنان) است. به عبارتی فرهنگ شکل دهنده شخصیت و گرایش‌های مذهبی زنان گیلکی، کرد، آذری و یزدی است. بنابراین فرهنگ بر رفتار فضایی زنان به طور عام و میل به خلوت‌جویی و ادراک ازدحام آنان به طور خاص تأثیرگذار است (تصویر شماره ۱).

بر این اساس، مقاله حاضر در پی اثبات فرضیه‌های ذیل است:

- ۱- میان زنان گیلکی، کرد، آذری و یزدی در میل به خلوت‌جویی (خلوت مطلوب و کسب شده) تفاوت وجود دارد.
- ۲- میان خلوت مطلوب و کسب شده و ادراک ازدحام این خرده فرهنگ‌ها رابطه وجود دارد.
- ۳- زنان گیلکی، کرد، آذری و یزدی در ادراک ازدحام متفاوت‌اند.

۲. چارچوب نظری

برجسته شدن مطالعه رفتار انسان‌ها در محیط‌های شهری باعث انجام مطالعات و تحقیقات بسیاری پس از دهه ۱۹۶۰ شد. ادوارد



تصویر شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

- 1 Privacy
- 2 Contact
- 3 Non-Contact

هال در زمره نخستین پژوهشگرانی است که به مطالعه رفتار فضایی انسان‌ها و تفاوت‌های بین فرهنگی آن پرداخت. وی برای نخستین بار رفتار فضایی انسان را در فرهنگ‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. به باور او فرهنگ‌ها به لحاظ تعاملات میان مردم در محیط به دو گروه ارتباطی و غیرارتباطی تقسیم می‌شوند. براساس دیدگاه هال، فرهنگ‌های ارتباطی عموماً در کشورهای گرمسیر (کشورهای عربی، منطقه مدیترانه، خاورمیانه‌ای و اروپای شرقی) و فرهنگ‌های غیرارتباطی در آب‌وهوای سرد (شمال اروپا، شمال آمریکا) دیده می‌شود (Hall, 1966). واتسون و گریوز (Watson and Graves, 1966)، فورستون و لارسون (Forston, 1966) and Larson, لیتل (Little, 1968)، سامر (Sommer, 1968)، زیلر و همکاران (Ziller, Long and Reddy, 1968) انگربرستون و فولمر (Engerbretson and Fullmer, 1970)، ایوانز و هوارد (Evans and Howard, 1973)، هایدوک (Hayduk, 1994) سندرز و همکاران (Sanders, Hakky and Brizzolara, 1985) نیز از نتایج هال حمایت می‌کنند.

اروین آلتمن در کتاب محیط و رفتار فضایی خود بر این باور است که نیاز به خلوت به میزان زیادی به فرهنگ وابسته است. او با بررسی خرده فرهنگ‌هایی در برزیل، آفریقای شمالی و اندونزی به این نتیجه دست یافت که در کلیه فرهنگ‌های بشری سازوکارهای خاصی برای تعامل اجتماعی افراد وجود دارد و شیوه نظارت آنان بر تعاملات اجتماعی متفاوت است (Altman, 1975).

در سال‌های اخیر پژوهش‌های افرادی چون رستملی و کوکدمیر (Rustemli & Kokdemir, 1993)، ایوانز و همکاران (Evans et al., 2000) و کایا و وبر (Kaya & Weber, 2003) نیز دسته‌بندی هال را تأیید می‌کنند.

رستملی و کوکدمیر، میل به خلوت جویی و ادراک ازدحام را میان فرهنگ‌های میل به خلوت جویی دانشجویان ترک را براساس مقیاس پدرسن (1979) مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آنان حاکی از آن است که دانشجویان ترک از میان حالت‌های خلوت، تنهایی و صمیمت با دوستان را ترجیح می‌دهند. در مقابل، آنان نسبت به حالت‌های فاصله‌گزینی و گمنامی تمایل کمتری دارند. از این میان، زنان در مقایسه با مردان تمایل بیشتری به صمیمت و نزدیکی با دوستان دارند. در مقابل، آنان تمایل کمتری به فاصله‌گزینی و گمنامی دارند. این دو پژوهشگر یافته‌های تحقیق خود را با نتایج تحقیق پدرسن مقایسه نموده و تفاوت‌های به دست آمده را ناشی از تفاوت‌های بین فرهنگی می‌دانند (Rustemli & Kokdemir, 1993).

پژوهش ایوانزو همکارانش با هدف بررسی تفاوت‌های بین فرهنگی در میزان تحمل در برابر ازدحام صورت گرفت. نتایج تحقیق آنها حاکی از آن است که ادراک ازدحام و میزان تحمل در برابر ازدحام دو مفهوم یکسان نمی‌باشند. در ادراک ازدحام میان خرده فرهنگ‌های مورد نظر این پژوهش تفاوت وجود دارد (میانگین ادراک ازدحام در آمریکایی‌های مکزیک تبار و ویتنامی تبار از آمریکایی‌های آفریقایی تبار و انگلیسی تبار بیشتر است). افزایش تراکم (تعداد افراد در خانه) تأثیر بیشتری بر افزایش میانگین ادراک

ازدحام آمریکایی‌های آفریقایی تبار و انگلیسی تبار در مقایسه با آمریکایی‌های مکزیک تبار و ویتنامی تبار دارد. تفاوت معنی‌دار میان خرده فرهنگ‌های مورد نظر این پژوهش در میزان تحمل در برابر ازدحام وجود ندارد (Evans et al., 2000).

در نهایت کایا و وبر در مقایسه بین فرهنگی خود میان دانشجویان ترک و آمریکایی، مقیاسی بر مبنای طیف لیکرت تنظیم نمودند و براساس آن میزان خلوت مطلوب و کسب شده را در این دو گروه فرهنگی مورد مقایسه قرار دادند. از نظر آنان میزان خلوت مطلوب در دانشجویان آمریکایی بیشتر از دانشجویان ترک است. صرف نظر از فرهنگ، مردان تمایل بیشتری به خلوت در مقایسه با زنان دارند. دانشجویانی که خلوت کسب شده در آنان کمتر از خلوت مطلوب است، در مقایسه با آنانی که خلوت کسب شده‌شان بیشتر یا برابر با خلوت مطلوب است، احساس ازدحام بیشتری دارند (Kaya & Weber, 2003).

در داخل کشور متأسفانه تحقیقاتی در حوزه تأثیر فرهنگ بر میل به خلوت جویی و ادراک ازدحام انجام نشده است.

۲.۱. خلوت

منظور از خلوت، امکان کنترل و در دست داشتن اختیار فرد برای تنظیم میزان و نوع رابطه با دیگران است (Gifford, 2002). افراد در تعاملات‌شان گاهی می‌خواهند از دیگران جدا باشند و گاهی می‌خواهند که با دیگران پیوند داشته باشند. تأمین خلوت، فرآیندی است که طی آن، فرد بین داشتن و نداشتن ارتباط با دیگران تعادل ایجاد می‌کند (Altman, 1975). بنابراین بحث خلوت در بردارنده چند مفهوم اساسی است؛ کنترل، نظارت و تعادل.

بنابراین کنترل امور به منظور برقراری تعادل در میزان و نحوه ارتباط با دیگران، بیانگر مفهوم خلوت است. دو جنبه مهم خلوت، خلوت مطلوب^۱ و خلوت کسب شده^۲ است. خلوت مطلوب سطح ایده‌آل تعامل با دیگران است و خلوت کسب شده سطح واقعی تعامل با دیگران (Altman, 1975). حالت بهینه^۳ خلوت وقتی حاصل می‌شود که این دو میزان با هم برابر باشند، اما اگر خلوت کسب شده کمتر از حد مطلوب باشد، نظارت فرد بر رفتار متقابل اجتماعی خود چندان مناسب نیست و فرد دچار احساس «ازدحام» می‌شود. در مقابل بیشتر بودن این میزان از حد مطلوب به معنای قطع رابطه فرد با دیگران است. به بیان دیگر، در این حالت فرد بیش از حد مورد نظر دچار انزوای اجتماعی، کسالت یا تنهایی است. براین اساس خلوت، دامنه‌ای بهینه در طیف انزوا و ازدحام است، چرا که خلوت بیش از اندازه، به انزوا و خلوت کمتر از حد مطلوب به احساس ازدحام می‌انجامد.

در عین حال، باید توجه داشت که خلوت نیز به نوبه خود در یک طیف قرار می‌گیرد و نه یک نقطه مشخص و قبل تشخیص بین انزوا و ازدحام. به این معنا که امکان کنترل بر رابطه با دیگران، خود

- 1 Desired privacy
- 2 Achieved privacy
- 3 Optimized privacy

دامنه‌ای دارد که درجات و انواع متفاوتی از خلوت را فراهم می‌کند. بر این اساس می‌توان چهار نوع خلوت را تشخیص داد:

انزوا^۱: دوری از دیگران و آزاد بودن از مشاهده شده توسط دیگران، صمیمیت^۲: معاشرت با فرد یا افراد خاص و رها بودن از قیدهای محیط خارج،

گمنامی^۳: ناشناخته بودن در میان جمع و

فاصله‌گزینی^۴: به کارگیری موانع روان شناختی برای کنترل مزاحمت‌های ناشناخته (Westin, 1970).

۲.۲. عوامل مؤثر بر میل به خلوت‌جویی

تفاوت در خلوت‌جویی ریشه در ویژگی‌های فردی، جایگاه اجتماعی، محیط فیزیکی و فرهنگ دارد. برخی از افراد به علت فرهنگ و شخصیت به خلوت بیشتری نیاز دارند و میل به خلوت‌جویی خود را متفاوت با دیگران ابراز می‌کنند. جایگاه اجتماعی و محیط فیزیکی نیز باعث به وجود آمدن تمایلات خلوت‌جویی متفاوت می‌گردد (Altman, 2002; Gifford, 1975; Hall, 1966). به بیان دیگر، فرد یا گروه بر پایه ویژگی‌های فردی، زمینه فرهنگی-اجتماعی و مشخصات محیط فیزیکی، سازوکارهایی را انتخاب می‌کنند و به واسطه آن به خلوت مطلوب خود دست می‌یابند (Altman & Chemers, 1980) (تصویر شماره ۲).



تصویر شماره ۲: عوامل تأثیرگذار بر میل به خلوت‌جویی

۲.۲.۳. ازدحام

ازدحام وضعیتی اجتماعی است که پیامد ناکارایی سازوکارهای خلوت است. در واقع، ازدحام به بر هم خوردن تعادل در روابط اجتماعی ما با دیگران اشاره دارد. به این معنی که حس ازدحام هنگامی روی می‌دهد که سازوکارهای گوناگون نظارت نتوانند میان خلوت مطلوب و خلوت کسب شده هماهنگی پدید آورند.

- 1 Seclusion
- 2 Intimacy
- 3 Anonymity
- 4 Reserve

در نتیجه خلوت به اندازه مطلوب نمی‌رسد و رابطه اجتماعی از حد مورد نیاز تجاوز خواهد کرد (Gifford, 2002).

دو رویکرد نظری در ارتباط با ادراک ازدحام قابل تبیین است: تحریک بیش از اندازه و ایجاد محدودیت در رفتار. تحریک بیش از اندازه غالباً نتیجه ارتباطات ناخواسته است (Desor, 1972). این حالت، هنگامی رخ می‌دهد که فرد از حضور دیگران احساس ناخوشایندی داشته باشد و یا ویژگی‌های محیط فیزیکی تراکم اجتماعی موجود در محیط را برجسته نماید. در رویکرد دوم (محدودیت در رفتار)، احساس ازدحام هنگامی رخ می‌دهد که فعالیت‌های فرد با دیگران تداخل پیدا کند (Stokols, 1972). در هر دو رویکرد، ازدحام، حالتی روان شناختی است که در آن فرد تمایل به فضای فیزیکی بیش از اندازه موجود دارد.

بین دو مفهوم ازدحام و تراکم^۵ باید تفاوت قائل شد. تراکم، مفهومی عددی می‌باشد که بیانگر تعداد انسان در یک محدوده خاص است. ازدحام می‌تواند با تراکم در رابطه باشد ولی الزاماً هر محیط پرتراکمی برای هر فردی ازدحام ندارد زیرا بیان شد که ازدحام یک حالت ذهنی است و همچنین هر محیط کم تراکمی نیز خالی از ازدحام نیست؛ چون ممکن است بین دو نفر هم احساس ازدحام به وجود آید. از این رو، تراکم شرط لازم برای ادراک ازدحام است اما شرط کافی نیست. در این رابطه مفهومی با عنوان تراکم «درک شده» مطرح می‌شود که معنای آن تراکمی است که فرد با احساس خود از تراکم موجود در مکان درک می‌کند که ارتباط بیشتری با مفهوم ازدحام دارد (Gifford, 2002). تراکم براساس تعداد افراد و میزان فضای موجود به ازای هر نفر به دو نوع تقسیم می‌شود: تراکم اجتماعی و تراکم فیزیکی. افزایش تعداد افراد با وجود ثابت بودن میزان فضا، تراکم اجتماعی و تغییر در میزان فضا با وجود ثابت بودن تعداد افراد تراکم فیزیکی نامیده می‌شود.

۳. روش‌شناسی

۳.۱. محدوده و قلمرو پژوهش

عامریان و شیوا بر این باورند که تاکنون هفت تا ۱۲ منطقه فرهنگی در ایران مورد بررسی و مطالعه دانشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته است که در این میان، تقسیم‌بندی ۱۰ گانه ذیل منطقی‌تر به نظر می‌رسد:

حوزه فرهنگی خوزستان، حوزه فرهنگی لرستان، حوزه فرهنگی آذربایجان، حوزه فرهنگی کردستان و کرمانشاهان، حوزه فرهنگی سواحل دریای مازندران، حوزه فرهنگی فلات مرکزی و حاشیه کویرهای ایران، حوزه فرهنگی خراسان بزرگ و گرگان، حوزه فرهنگی سیستان و بلوچستان، حوزه فرهنگی کرمان، حوزه فرهنگی فارس، چهارمحال بختیاری، یاسوج و خلیج فارس (Amerian & Shiva, 2011).

از آنجا که در این پژوهش بررسی همزمان ده منطقه فرهنگی میسر نیست، چهار منطقه گیلان و مازندران، کردستان و کرمانشاهان، آذربایجان و فلات مرکزی به عنوان نمونه موردی انتخاب گردید. در انتخاب این چهار منطقه فرهنگی سه عامل مدنظر بوده است:

۱. باورها و ارزش‌ها؛ ساکنان این مناطق از نظر باورها، ارزش‌ها و هنجارها تفاوت‌های بارزتری نسبت به یکدیگر دارند (جدول شماره ۱). ۲. ویژگی‌های اقلیمی؛ این خرده فرهنگ‌ها از اقلیم‌های متفاوت انتخاب شده‌اند: اقلیم گیلان و مازندران؛ معتدل خزری؛ اقلیم کردستان و کرمانشاهان؛ کوهستانی بسیار سرد؛ اقلیم آذربایجان؛ کوهستانی سرد و اقلیم فلات مرکزی؛ صحرایی خشک گرم (Moradi, 2008). ۳. سهم جمعیتی؛ چهار منطقه فرهنگی منتخب در حدود نیمی از جمعیت کشور را در خود جا داده‌اند. از آنجا که هر کدام از این مناطق فرهنگی در برگزیده شهرهای متعددی است، بزرگترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای این مناطق به عنوان قلمرو مکانی این پژوهش انتخاب گردید؛ رشت (۶۳۹ هزار و ۹۵۱ نفر)، سنندج (۳۷۳ هزار و ۹۸۷ نفر)، تبریز (یک میلیون و ۴۹۴ هزار و ۹۸۸ نفر) و یزد (۴۸۶ هزار و ۱۵۲ نفر).

پارک‌ها از جمله فضاهای عمومی در شهرهای ایران است که در مقایسه با سایر فضاها، زنان به تنهایی و یا به همراه کودکان خود برای انجام فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی به آنها مراجعه می‌نمایند. از این رو، در این پژوهش، در هر یک از شهرهای مورد نظر یک پارک به عنوان نمونه موردی انتخاب گردید. مقاله حاضر در پارک‌های شهر (رشت)، ملت (سنندج)، باغمیشه (تبریز) و آزادگان (یزد) انجام شده است. این پارک‌ها در محدوده‌های شهری انتخاب شدند و دارای مقیاس شهری هستند. مساحت پارک‌های شهر، ملت، باغمیشه و آزادگان به ترتیب در حدود ۱۴، ۱۲، ۱۰ و ۱۰ هکتار است. ۹۰ درصد پارک شهر، ۸۰ درصد پارک ملت

و ۸۵ درصد پارک‌های باغمیشه و آزادگان به فضای سبز اختصاص دارد. در این پارک‌ها، فضاهایی برای بازی کودکان، پیاده‌روی، دوچرخه سواری و فعالیت‌های ورزشی وجود دارد. تصاویر شماره ۳ تا ۶ موقعیت این پارک‌ها را نشان می‌دهند.

۳.۲. جامعه آماری

جامعه آماری این تحقیق، زنان مراجعه کننده به پارک‌های منتخب است. براساس آمار ارائه شده توسط مدیریت پارک‌ها، در ایام تعطیلات آخر هفته به طور میانگین به هریک از پارک‌های شهر، ملت، باغمیشه و آزادگان ۲۲۰۰، ۲۱۰۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۰ زن مراجعه می‌کنند. بدین ترتیب، براساس فرمول کوکران حجم نمونه در هر یک از پارک‌ها در حدود ۳۰۰ و در مجموع هزار و ۲۰۰ تخمین زده شد. از میان زنان گیلکی شش نفر (دو درصد)، زنان کرد هشت نفر (۲٫۷ درصد)، زنان آذری پنج نفر (۱٫۶ درصد) و زنان یزدی هفت نفر (۲٫۳ درصد)، پرسشنامه را به صورت کامل تکمیل نمودند و یا از برگشت پرسشنامه‌ها امتناع نمودند. در نتیجه مجموع کل حجم نمونه این مقاله هزار و ۱۷۴ نفر است (۲۹۴ زن گیلکی، ۲۹۲ زن کرد، ۲۹۵ زن آذری و ۲۹۳ زن یزدی). براساس آمار ارائه شده، تعداد مردان مراجعه کننده به پارک‌ها کمتر از زنان بوده است؛ پارک شهر هزار، پارک ملت هزار و ۳۰۰، پارک باغمیشه هزار و ۴۰۰ و پارک آزادگان هزار و ۵۰۰. از این میان ۵۰۰ نفر از مردان مراجعه کننده به پارک شهر، ۷۰۰ نفر پارک ملت، ۹۰۰ نفر پارک باغمیشه و هزار نفر پارک آزادگان به همراه زنان، زنان و کودکان و یا کودکان به پارک مراجعه نموده‌اند. جدول شماره ۲، مشخصات عمومی پرسش شونده‌ها را نشان می‌دهد.



تصویر شماره ۴: پارک ملت سنندج



تصویر شماره ۳: پارک شهر رشت



تصویر شماره ۶: پارک باغمیشه تبریز



تصویر شماره ۵: پارک آزادگان یزد

۱ از جمعیت ۷۵ میلیون و ۱۴۹ هزار و ۶۶۹ نفری ایران در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، هفت درصد ساکن منطقه گیلان و مازندران، ۱۰ درصد کردستان و کرمانشاهان، ۱۸ درصد آذربایجان و هشت درصد فلات مرکزی هستند.

جدول شماره ۱: ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری زنان در خرده فرهنگ‌های گیلکی، کرد، آذری و یزدی

زنان یزدی	زنان آذری	زنان کرد	زنان گیلکی
- هژمونی قوی سنت در جامعه یزد - کنترل و هدایت خواست و ارزش‌های حاکم در میان یزدی‌ها توسط سنت - احتساب مذهب به عنوان بخشی از سنت مردم یزد - هضم تغییرات فرهنگی در درون سنت یزدی - نظارت و کنترل اجتماعی شدید در شهر یزد - تلاش افراد برای بروز رفتار متناسب با ارزش‌های خانواده به سبب نظارت مردمی - خصوصیات اخلاقی: درون‌گرایی، کار - خونه، روحیه تساهل، اقتصادی بودن - محدودیت بیشتر زنان یزدی برای ورود به حوزه عمومی در مقایسه با خرده فرهنگ‌هایی چون گیلک، کرد و آذری از گذشته تاکنون - استفاده زنان یزدی از روبند و چادر در گذشته برای ورود به حوزه عمومی - تصویر ذهنی زنان یزدی از خود: قانع، مذهبی (سنتی)، مطیع همسر، درون‌گرا	- محدودیت زنان آذری برای ورود به حوزه عمومی در مقایسه با خرده فرهنگ‌هایی چون گیلک و کرد از گذشته تاکنون - استفاده زنان آذری از روبند و چادر در گذشته برای ورود به حوزه عمومی - پیش‌تاز بودن زنان آذری در برخی از فعالیت‌های اجتماعی در گذشته با وجود اعمال محدودیت‌هایی برای حضور در حوزه عمومی (تشکیل انجمن نسوان تبریز به عنوان نخستین انجمن زنان ایرانی در دوره مشروطه) - احساس مسئولیت گروه قومی آذری در قبال حفظ فرهنگ محلی - تصویر ذهنی زنان آذری از خود: کدبانو، دوستدار خانواده، چشم و هم چشم	- تعصب شدیدتر کردها به خانواده، قبیله و قلمرو زیست خود در مقایسه با تعصب ملی یا دینی - افتخار کردها به نیاکان و دودمان‌شان - افتخار کردها به زندگی مستقل و آزاد - شجاعت فوق‌العاده کردها - بی‌اعتمادی کردها نسبت به بیگانگان - سهولت ورود زنان به حوزه عمومی در گذشته به سبب نبود مرزهای مشخص برای تفکیک فضاهای خصوصی از عمومی - برخورداری زنان از شخصیت ویژه در میان افراد - عدم استفاده زنان کرد از روبند و چادر در گذشته برای ورود به حوزه عمومی - دستیابی زنان کردها به جایگاه‌های رفیع اجتماعی در گذشته - تصویر ذهنی زنان کرد از خود: پرتلاش و فعال، مهربان، دوستدار خانواده	- رجحان عنصر باز بر بسته و تأثیر آن بر مناسبات میان افراد و حتی نحوه لباس پوشیدن زنان - نبود تفکیک جنسیتی میان حوزه خصوصی و عمومی در این خرده فرهنگ به سبب انجام کلیه کارهای خارج از خانه‌ها توسط زنان گیلکی - عدم استفاده زنان گیلکی از روبند و چادر در گذشته برای ورود به حوزه عمومی - نحوه پوشش زنان گیلکی در گذشته: عدم استفاده از سرانداز، کوتاه بودن لباس‌های آنان در مقایسه با سایر ایرانیان - آزادی بیشتر زنان گیلکی برای حضور در حوزه عمومی در مقایسه با سایر خرده فرهنگ‌ها (فارس، عرب، ترک، بلوچ و...) از گذشته تاکنون - تصویر ذهنی زنان گیلکی از خود: پرتلاش و فعال، دوستدار خانواده، اهمیت به ظاهر

جدول شماره ۲: مشخصات فردی جامعه آماری به تفکیک خرده فرهنگ‌ها

میانگین (M) - فراوانی (درصد)				سن	تحصیلات (درصد)	وضعیت شغلی (درصد)
زنان یزدی	زنان آذری	زنان کرد	زنان گیلکی			
۳۰,۴۰	۳۶,۰۶	۳۴,۷۸	۳۰,۷۶	زیر دبلیوم	۱۷,۴۰ ۲۱,۵۰ ۲۲,۱۰ ۳۷,۳۰	۱۰ ۱۰ ۱۰ ۱۰
٪۱۷,۴۰	٪۹,۱۰	٪۱۰	٪۶	دبلیوم		
٪۱۶,۱۰	٪۲۱,۵۰	٪۱۲	٪۲۲	فوق دبلیوم		
٪۱۳	٪۲۲,۱۰	٪۲۲	٪۱۲	لیسانس		
٪۲۹,۶۰	٪۳۷,۳۰	٪۴۶	٪۴۴	فوق لیسانس و بالاتر	۲۱,۷۰ ۲۸,۳۰ ۳۷ ۶,۵۰	۱۰ ۱۰ ۱۲ ۸
٪۲۱,۷۰	٪۱۰	٪۱۰	٪۱۶	خانه‌دار		
٪۲۸,۳۰	٪۲۸,۵۰	٪۱۲	٪۲۴	شاغل		
٪۳۷	٪۳۴,۲۰	٪۲۸	٪۴۰	جویای کار		
٪۶,۵۰	-	٪۱۲	٪۸	در حال تحصیل	۲۱,۷۰ ۴,۳۰	۴۸ ۲
٪۲۱,۷۰	٪۱۹,۲۰	٪۴۸	٪۲۶	بازنشسته		
٪۴,۳۰	٪۹,۱۰	-	٪۲			

۳,۳ ابزار گردآوری داده‌ها

با توجه به آن که مقاله حاضر از نوع کاربردی است، از برداشت میدانی (روش پیمایشی) برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز استفاده شد. مطابق این روش، پرسشنامه‌هایی تهیه و در جوامع هدف تکمیل گردید. پرسشنامه این پژوهش شامل دو بخش است:

۱- بخش نخست از سئوالات به تخمین خلوت مطلوب و کسب شده در زنان گیلکی، کرد، آذری و یزدی می‌پردازد. این سئوالات بر پایه طیف لیکرت تنظیم شده‌اند. برای سنجش میزان

خلوت مطلوب و کسب شده از دو سؤال تمایل شما به خلوت بودن پارک چقدر است؟ (خلوت مطلوب) و از نظر شما هم اکنون پارک چقدر خلوت است؟ (خلوت کسب شده) بهره گرفته شد (Mohammad Niay Gharaei & Rafieian, 2013).

۲- دومین بخش از سئوالات به ارزیابی ادراک ازدحام در خرده فرهنگ‌ها می‌پردازد. سئوالات این بخش بر مبنای مقیاس تفاوت معنایی تنظیم شده‌اند. در تنظیم این سئوالات از پژوهش کاپلان (۱۹۸۲) استفاده گردید. اعتبار این پرسشنامه توسط چند تن از اساتید تأیید شد و ضریب پایایی درونی (آلفای کرونباخ)

آن در سئوالات بخش یک، ۰،۸۵ و در سئوالات بخش دوم ۰،۹۰ اندازه‌گیری شده است.

جمع‌آوری داده‌ها در تیر ماه سال ۱۳۹۲ در ساعات اوج استفاده از پارک‌ها (۱۰-۱۲ صبح و ۵-۷ عصر) انجام شده است (صرفاً در شهر یزد با توجه به گرمای هوا تکمیل پرسشنامه تنها در ساعت ۷-۵ عصر انجام شده است). پرسشنامه‌ها در آخر هفته تکمیل شده‌اند. در هر پارک، پنج پرسشگر دارای فرهنگ مشابه با هر یک از خرده فرهنگ‌ها به تکمیل پرسشنامه‌ها پرداخته‌اند. پرسشگرها به طور همزمان در هر یک از پارک‌ها پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند. نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی و از میان زنان سالمی که به تنهایی یا با فرزندان و یا با دوستان زن خود به پارک مراجعه نموده‌اند، انتخاب گردید. گروهی از این زنان به فعالیت‌های ورزشی، گروهی به گفت‌وگو با دوستان، گروهی در حال استراحت و گروهی دیگر نظاره‌گر بازی کودکانشان بودند. برای تکمیل پرسشنامه توسط هر فرد در حدود ۱۵ دقیقه زمان صرف گردید. دمای هوا در هنگام تکمیل پرسشنامه‌ها در شهرهای رشت، سنندج، تبریز و یزد به ترتیب برابر با ۲۵، ۲۲، ۲۳، ۳۰ درجه سانتیگراد بوده است.

۳،۴ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از جمع‌آوری داده‌ها بر مبنای طیف لیکرت و مقیاس تفاوت معنایی، این داده‌ها توسط آزمون‌های χ^2 (Chi-square Test)، ضریب همبستگی پیرسون (Pearson Correlation Coefficient)، تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) و تحلیل واریانس چند متغیره (Multivariate analysis of variance (MANOVA)) مورد تحلیل قرار گرفتند.

۴ یافته‌های تحقیق

۴،۱ بررسی تفاوت‌ها در میزان خلوت مطلوب و کسب شده

جدول شماره ۳ نشان دهنده میانگین و انحراف معیار میزان خلوت مطلوب و کسب شده در خرده فرهنگ‌های مورد بررسی در این مقاله است. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان دهنده آن است که در گروه‌های مورد بررسی میان دو سطح خلوت (مطلوب و کسب شده) همبستگی معنی‌داری وجود دارد ($r = -0.45, p =$

۰،۰۰). برای بررسی تأثیر فرهنگ بر سطوح خلوت از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. نتایج این آزمون حاکی از آن است که میزان خلوت کسب شده و مطلوب در چهار گروه زنان یزدی، آذری، کرد و گیلکی متفاوت است ($F(4, 1173) = 0.74, \lambda = 0.0005, p < 0.0005$). خلوت کسب شده در زنان گیلکی بیشتر از زنان کرد، آذری و یزدی است. در مقابل، میزان خلوت مطلوب در این گروه، از زنان کرد، آذری و یزدی کمتر است.

۴،۲ بررسی ارتباط میان سطوح خلوت و ادراک ازدحام

برای بررسی ارتباط میان سطوح خلوت و ادراک ازدحام از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج این آزمون حاکی از آن است که میان خلوت مطلوب و ادراک ازدحام در هر چهار گروه از زنان همبستگی مثبت و میان خلوت کسب شده و ادراک ازدحام در این چهار گروه از زنان همبستگی منفی وجود دارد (جدول شماره ۴). بنابراین با افزایش میزان خلوت کسب شده در زنان گیلکی، کرد، آذری و یزدی ادراک ازدحام آنان کاهش و در مقابل با افزایش سطح خلوت مطلوب، ادراک آنان از ازدحام نیز افزایش می‌یابد.

۴،۳ بررسی تفاوت‌ها در ادراک ازدحام

در این بخش از پژوهش، جامعه آماری به سه گروه تقسیم شدند. مبنای این تقسیم‌بندی میزان اختلاف خلوت مطلوب و کسب شده در هر یک از زنان است.

احساس ازدحام: ناکافی بودن خلوت در محیط شهری - اختلاف میان خلوت کسب شده و مطلوب ۵- تا ۱-، وضعیت بهینه: سطح بهینه خلوت در محیط شهری - اختلاف میان خلوت کسب شده و مطلوب ۰ و انزوای اجتماعی: سطح بالای خلوت در محیط شهری - اختلاف میان خلوت کسب شده و مطلوب ۵+ تا ۱+ (Mohammad Niayy, Gharaei & Rafieian, 2013).

برای بررسی تفاوت میان زنان گیلکی، کرد، آذری و یزدی در اختلاف امتیاز میان خلوت مطلوب و کسب شده از آزمون χ^2 استفاده شد. جدول شماره ۵ نشان دهنده تفاوت معنی‌دار میان این چهار گروه از زنان در اختلاف خلوت کسب شده و مطلوب است ($\chi^2 = 23.16, df = 6, P = 0.00$).

جدول شماره ۴: ضرایب همبستگی میان ادراک ازدحام و سطوح خلوت در زنان گیلکی، کرد، آذری و یزدی

فرهنگ	تعداد	خلوت مطلوب		خلوت کسب شده	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
گیلکی	۲۹۴	۲،۲۴	۰،۷۱	۱،۹۸	۰،۹۱
کرد	۲۹۲	۲،۶۸	۰،۹۹	۱،۳۰	۰،۵۸
آذری	۲۹۶	۳،۱۲	۰،۷۹	۱،۲۴	۰،۶۶
یزدی	۲۹۱	۳،۱۲	۰،۴۳	۱،۲۲	۰،۴۶

جدول شماره ۵: ضرایب همبستگی میان ادراک ازدحام و سطوح خلوت در زنان گیلکی، کرد، آذری و یزدی

ادراک ازدحام	زنان گیلکی		زنان کرد		زنان آذری		زنان یزدی	
	خلوت مطلوب	خلوت کسب شده	خلوت مطلوب	خلوت کسب شده	خلوت مطلوب	خلوت کسب شده	خلوت مطلوب	خلوت کسب شده
	$r = 0.53$	$r = -0.72$	$r = 0.85$	$r = -0.88$	$r = 0.90$	$r = -0.68$	$r = 0.67$	$r = -0.68$
	$p = 0.00$	$p = 0.00$	$p = 0.00$	$p = 0.00$	$p = 0.00$	$p = 0.00$	$p = 0.00$	$p = 0.00$

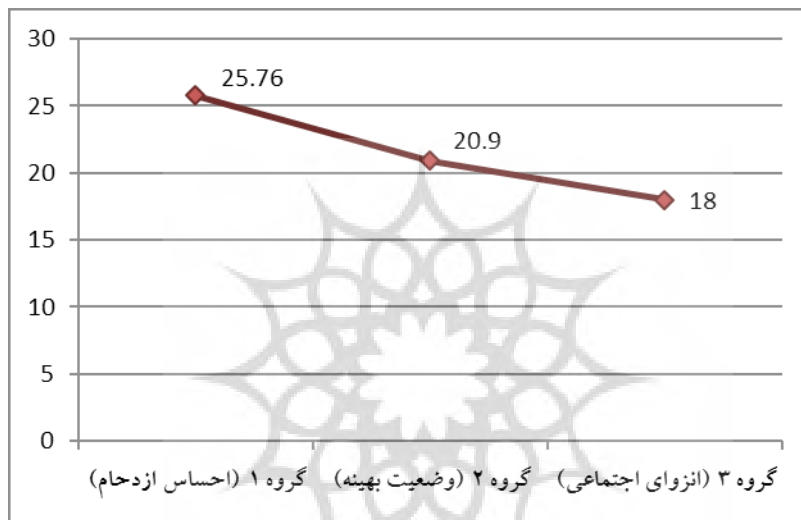
جدول شماره ۵: توزیع فراوانی میزان اختلاف میان خلوت مطلوب و کسب شده در زنان گیلکی، کرد، آذری و یزدی *

زنان یزدی		زنان آذری		زنان کرد		زنان گیلکی		گروه - اختلاف میان خلوت مطلوب و کسب شده
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۹۳	۲۷۲	۸۹	۲۶۲	۷۵	۲۲۰	۴۸	۱۴۲	احساس ازدحام (-۵ تا -۱)
۰	۰	۰	۰	۱۱	۳۳	۲۸	۸۲	وضعیت بهینه (۰)
۷	۲۱	۱۱	۳۳	۱۴	۳۹	۲۴	۷۰	انزوای اجتماعی (+۱ تا +۵)
۱۰۰	۲۹۳	۱۰۰	۲۹۵	۱۰۰	۲۹۲	۱۰۰	۲۹۴	جمع کل

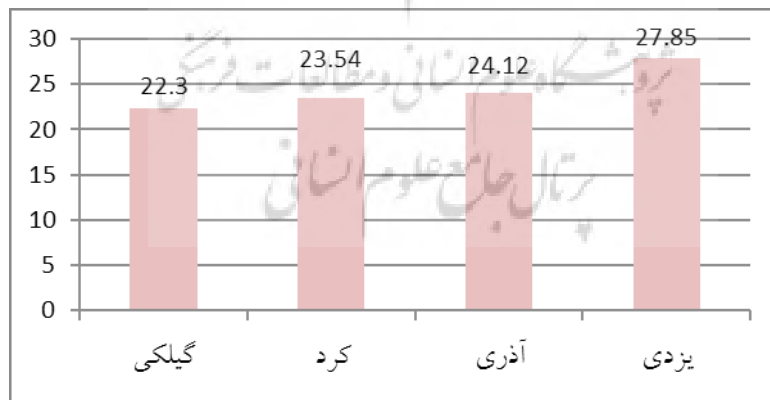
*: $\chi^2 = 23.16, P = 0.00$

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه نشان دهنده آن است که میانگین شدت ازدحام میان چهار خرده فرهنگ مورد بررسی متفاوت است ($F=4.07, df=3, p=0.02$). زنان یزدی در مقایسه با زنان آذری، کرد و گیلکی فضای عمومی را شلوغ تر درک می کنند (نمودار شماره ۲).

براساس آزمون توکی ادراک ازدحام میان سه گروه (احساس ازدحام، بهینه، انزوای اجتماعی) متفاوت است ($p=0.00$). گروه ۱ در مقایسه با گروه های ۲ و ۳ محیط را با ازدحام بیشتری درک می کنند (نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱: مقایسه میانگین شدت ادراک ازدحام در سه گروه احساس ازدحام، وضعیت بهینه و انزوای اجتماعی



نمودار شماره ۲: مقایسه میانگین شدت ادراک ازدحام در زنان گیلکی، کرد، آذری و یزدی

شده با یکدیگر متفاوتند. زنان یزدی و آذری نیاز به خلوت بیشتری (خلوت مطلوب) در فضاهای عمومی دارند. در صورتی که خلوت کسب شده در زنان گیلکی بیش از سایر خرده فرهنگ هاست. به عبارت دیگر، زنان یزدی در مقایسه با سایر خرده فرهنگ ها فضای پارک را پر ازدحام تر درک می کنند. علاوه بر این، در هر چهار خرده فرهنگ، زنانی که میزان خلوت در فضای پارک را ناکافی می دانند،

۵. بحث و نتیجه گیری

نخستین هدف این تحقیق، بررسی تفاوت های بین فرهنگی میان زنان گیلکی، کرد، آذری و یزدی در میل به خلوت جویی و ادراک ازدحام در محیط های شهری است. همسو با مدل سازوکارهای خلوت آلتمن، نتایج این تحقیق نیز نشان دهنده آن است که زنان در خرده فرهنگ های ایران در دستیابی به خلوت مطلوب و کسب

در مقایسه با زنانی که به سطح بالا و بهینه خلوت در این فضا دست یافته‌اند، محیط پارک را پرازدحام‌تر درک می‌کنند.

بر مبنای مطالعات آلتمن، سطح خلوت مطلوب و کسب شده با ادراک ازدحام در محیط‌های شهری رابطه دارد (Altman, 1975). نتایج این مقاله نیز نشان دهنده آن است که در هر چهار خرده فرهنگ، افزایش سطح خلوت مطلوب با افزایش ادراک ازدحام و افزایش سطح خلوت کسب شده با کاهش ادراک ازدحام در محیط‌های شهری همراه است. صرف نظر از فرهنگ، زنانی که به خلوت مطلوب در محیط‌های شهری دست پیدا نمی‌کنند، در مقایسه با گروهی که سطح روابط اجتماعی در آنها کمتر از حد مطلوب است یا دستیابی به خلوت در آنها در حد بهینه قرار دارد، محیط را پرازدحام‌تر درک می‌کنند.

می‌توان تفاوت در ادراک ازدحام و میل به خلوت جویی در عرصه عمومی را مرتبط با فرهنگ و زمینه پرورش زنان دانست. همان گونه که گفته شد، اقلیم و جهان بینی دو عامل مهم در شکل‌گیری فرهنگ می‌باشند. اقلیم بر تعصبات مذهبی نیز تأثیرگذار است (Noghrekar et al., 2010). به باور نقره‌کار و همکاران، خشکی عامل تقویت شخصیت درون‌گرا و به عکس رطوبت زمینه ساز تقویت برون‌گرایی شخصیت است. از این رو ساکنان اقلیم معتدل و مرطوب، برون‌گرا و ساکنان اقلیم خشک، درون‌گرا هستند. از طرفی، تعصبات مذهبی در اقلیم‌های گرم و خشک بیش از اقلیم‌های مرطوب است. بر اساس پژوهش صورت گرفته توسط خالد رستگار و محمدی ساکنان شهر رشت در میان ۲۸ مرکز استان ایران دارای کمترین گرایش مذهبی‌اند. در این میان رتبه سندیج ۱۷، تبریز ۱۲ و یزد ۲ است (Rastegar & Mohammadi, 2015).

حاکم بودن هژمونی قوی سنت در جامعه یزد و کنترل و هدایت ارزش‌های حاکم در میان یزدیان توسط سنت و مذهب سبب می‌شود که در این جامعه نظارت بر رفتار زنان و کنترل شدید اجتماعی وجود داشته و زنان تلاش کنند رفتاری متناسب با ارزش‌های سنتی از خود بروز دهند. زنان در جامعه یزد به طور خاص و فلات مرکزی ایران به طور عام با محدودیت برای ورود به حوزه عمومی روبه‌رویند. در گذشته زنان این خرده فرهنگ برای حضور در حوزه عمومی ملزم به استفاده از چادر و روبند بوده‌اند که این ارزش‌کماکان در این جامعه مشهود است. آنان به راحتی با افراد غریبه خصوصاً مردان به گفت‌وگو و تعامل اجتماعی نمی‌پردازند. به باور زنان یزدی، آنان افرادی قانع، سنتی، مذهبی، مطیع همسر و درون‌گرا هستند. در مقایسه با دو خرده فرهنگ دیگر (گیلکی و کرد)، زنان آذری نیز برای ورود به حوزه عمومی با محدودیت‌هایی روبه‌رویند؛ از این رو میل به خلوت جویی آنان در عرصه‌های عمومی بیش از این دو خرده فرهنگ است. در مقابل، زنان گیلکی از گذشته تا کنون آزادی بیشتری برای حضور در عرصه عمومی دارند. حتی به سبب انجام اکثر کارهای خارج از خانه توسط آنان، میان حوزه خصوصی و عمومی در این خرده فرهنگ تفکیک جنسیتی وجود ندارد. پوشش سنتی زنان این خرده فرهنگ در گذشته روبند و چادر نبوده است و لباس‌های سنتی آنان در مقایسه با سایر خرده فرهنگ‌های ایران کوتاه‌تر

است (Bromberger, 1989). زنان گیلکی خود را برون‌گرا، پرتلاش و فعال، آزاد و مستقل می‌دانند. زنان کرد نیز مانند زنان گیلکی از گذشته تا کنون به سهولت وارد عرصه عمومی می‌شده‌اند. زنان در میان اکراد از شخصیت ویژه‌ای برخوردارند تا جایی که در گذشته امکان دستیابی آنان به جایگاه‌های رفیع اجتماعی همچون ریاست قبیله وجود داشته است (Alizadeh, 2007; Galletti, 2001). زنان کرد خود را شجاع، مستقل، پرتلاش و فعال می‌دانند. زنان گیلکی و کرد به راحتی به تعامل اجتماعی با غریبه‌ها حتی مردان می‌پردازند.

بر مبنای طبقه‌بندی هال، ایران در زمره فرهنگ‌های ارتباطی است. اما یافته‌های این تحقیق گویای آن است که در درون این کشور و در میان خرده فرهنگ‌های آن نیز تفاوت‌هایی در میل به خلوت جویی و تمایل به تعاملات اجتماعی در حوزه‌های عمومی وجود دارد. نتایج نشان دهنده آن است که این تفاوت با طبقه‌بندی هال، کشورهای گرمسیر (ارتباطی) و سردسیر (غیرارتباطی) انطباق ندارد؛ یزدی‌ها (صحرائی گرم و خشک) و آذری‌ها (کوهستانی سرد) در زمره فرهنگ‌های ارتباطی و گیلکی‌ها (معتدل خزری) و کردها (کوهستانی بسیار سرد) در زمره فرهنگ‌های ارتباطی‌اند. دلیل اصلی این تفاوت نشأت گرفته از انجام این تحقیق در عرصه عمومی است. رفتار زنان ایرانی و تعاملات اجتماعی آنان با دیگران در حوزه عمومی به شدت متأثر از اعتقادات مذهبی و سنتی است. از همین رو، زنان یزدی و آذری که در مقایسه با دو خرده فرهنگ دیگر مذهبی‌تر و سنتی‌تر هستند، میل به خلوت بیشتر در این حوزه دارند. اما آیا در صورت انتخاب عرصه خصوصی و نیمه خصوصی و یا محیط‌های خاص زنان نیز همین نتایج حاصل می‌شود؟ به نظر این موضوع می‌تواند در تحقیقات آتی مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد.

References:

- Alizadeh, H. (2007). Changes conceptions of women's public space in the Kurdish city. *Cities*, 24(6), 410-421.
- Altman, I. (1975). *The environment and social behaviour*. Monterey, CA: Brooks/Cole.
- Altman, I., & Chemers, M. (1980). *Culture and Environment*. Cambridge: Cambridge University press.
- Amerian, H., & Shiva, O. (2011). *Cognition of Iranian culture and races*. Tehran: Jahad Daneshgahi. [In Persian]
- Bromberger, B. (1989). *Habitat, Architecture and rural society in the Gilan plain (Gilaki Iran)*. In Kommission bei F. Dümmler.
- Desor, JA. (1972). *Toward a psychological theory of crowding*. *Journal of Personality and Social Psychology*, 21(1), 79-83.

- viewpoint of Islamic thinkers and its results in designing an artificial environment. *Memari va Shahrsazi Armanshahr*, No. 5, 79-96. [In Persian]
- Pedersen, D. M. (1979). Dimensions of privacy preferences. *Multivariate Behavioral Research*, 9, 255-272.
 - Rustemli, A., & Kokdemir, D. (1993). Privacy dimensions and preferences among Turkish students. *The Journal of Social Psychology*, 133(6), 807-814.
 - Sanders, J. L., Hakky, V. M., & Brizzolara, M. M (1985). Personal space amongst Arabs and Americans. *International Journal of Psychology*, 20, 13-17.
 - Sommer, R. (1968). Intimacy ratings in five countries. *International Journal of Psychology*, 3(2), 109-114.
 - Stokols, D. (1972). On the distinction between density and crowding: Some implications for future research. *Psychological Review*, 79(3), 275-278.
 - Watson, O. M., & Graves, T. D. (1966). Quantitative research in proxemics behaviour. *American Anthropologist*, 74(68), 83-90.
 - Westin, A. (1970). *Privacy and freedom*. New York: Atheneum.
 - Ziller, R.C., Long, B. H., Ramana, K. V., & Reddy, V. E. (1968). Self-other orientations of Indian and American adolescents. *Journal of Personality*, 36, 315-330.
 - Engebretson, D., & Fullmer, D. (1970). Cross-cultural differences in territoriality: Interaction distances of native Japanese, Hawaii-Japanese, and American Caucasians. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 1(3), 261-269.
 - Evans, G. W., & Howard, R. B. (1973). Personal space. *Psychological Bulletin*, 80(4), 334-344.
 - Evans, G. W., Lepore, S. J., & Allen, K. M. (2000). Cross-cultural differences in tolerance for crowding: Fact or fiction? *Journal of Personality and social Psychology*, 79(2), 204-210.
 - Forston, R. L., & Larson, C. U. (1968). The dynamics of space. *Journal of Communication*, 18, 109-116.
 - Galletti, M. (2001). Western images of women's role in Kurdish society. In *Women of a Non-state Nation: Thr Kurdish*, S Mojab (ed.). Toronto: Mazda.
 - Gifford, R. (2002). *Environmental psychology: Principles and practice*. Colville, WA: Optimal Books.
 - Hall, E. T. (1966). *The hidden dimension*. New York: Doubleday.
 - Hayduk, L. A. (1994). Personal space: Understanding the simplex model. *Journal of Nonverbal Behaviour*, 18, 245-260.
 - Kaya, N. & Weber, M. J. (2003). Cross-cultural differences in the perception of crowding and privacy regulation: American and Turkish students. *Journal of environmental Psychology*, 23, 301-309.
 - Khaled Rastegar, A. & Mohammadi, M. (2015). Cultural changes and loss of fertility in Iran. *Applied Sociology*, 26(2), 159-180. [In Persian]
 - Little, K. B., & Henderson, C. (1968). Value congruence and interaction distance. *Journal of social psychology*, 113, 41-51.
 - Mohammad Niay Gharaei, F & Rafeian, M. (2013). Investigating cross-cultural differences in the privacy regulation and perception of crowding: Northern and Kurdish women in Iran. *International Journal of Architecture and Urban Development*, 3(4), 41-46.
 - Moradi, S. (2008). Setting environmental condition. Tehran: Shahidi. [In Persian]
 - Noghrekar, A., Hamzenejad, M. & Dehghani Tafti, M. (2010). Investigating the effect of natural environment on behavior and ethics from the